

مصاحبه با برادر علیرضا افشار قائم مقام فرماندهی کل ورئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اشاره:

به مناسبت سالگرد تشکیل و شروع حرکت پر بار جهاد سازندگی، گفتگویی با برادر علیرضا افشار رئیس ستاد مرکزی و سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ترتیب دادیم؛ لازم به تذکر است که برادر افشار خود از بنیانگذاران و شکل دهندگان به روند حرکت جهاد سازندگی بوده که حضور فعالی را در

مجله جهاد - اولاً از دیدارتان خوشحال هستیم و بعد هم تشکر میکنیم از این فرصتی که فراهم آوردید تا بتوانیم گفتگویی با شما در خصوص مسائل نهادهای انقلاب اسلامی و جهاد داشته باشیم. بعنوان اولین سؤال با توجه به اینکه شما از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره در ارتباط با نهادهای انقلاب فعالیت کرده اید، چنانکه در بنیانگذاری، شکل گیری و گسترش جهاد سازندگی حضور فعالی داشتید، و بعد هم در سپاه پاسداران این تلاش ها تداوم پیدا کرد و طبعاً به لحاظ نوع فعالیتتان با دیگر نهادهای انقلاب نیز تماس و برخورد داشته اید، نظرتان را در مورد علل موفقیت و یا عدم موفقیت این نهادها بفرمائید.

ج - بسم الله الرحمن الرحيم. قبل از پاسخگویی به سؤال، ابتدا تشکر می کنم از برادران جهاد که با اخلاص و حرکت جهادی خود همیشه اسوه بودند و اظهار علاقه و ارادت خود را به این نهاد و برادران عزیز که در آنجا فعالیت دارند، ابراز می کنم؛ و این را به عنوان یک احساس خودم بیان می کنم که آنروز که در جهاد سازندگی بودیم یکبار در جلسه ای که با فرماندهی سپاه بود، ابراز کرده بودم که در جهاد سازندگی هیچ علاقه ام نسبت به سپاه کمتر از جهاد نیست و امروز که در سپاه هستم همین حالت است، علاقه ای که به جهاد دارم هم کمتر از سپاه نیست. واقعاً نهادهای انقلاب اسلامی بار عظیمی بردوش خود دارند و هر کدام در حل بخشی از مشکلات مملکت سهیم هستند و همگنی اینها خالصانه و برای خدا و دین خدا تلاش می کنند و اینها با هم هستند که می توانند به هدفهایشان دست پیدا کنند که همان پیدا شدن ارزشهای الهی در جامعه و انشاء الله در میان مسلمین است. در رابطه با سؤالی که فرمودید، آنچه مسلم است یک انقلاب بعد از پیروزی به شدت بنیادپایه کردن آرمانها و آرزوها و ایده آلهای خودش است. آنچه که در میان انقلابها متفاوت است، شیوه پیاده کردن این معیارهاست. در بعضی انقلابها، نیروهایی که به حکومت می رسند با بیرحمی و با

سالهای اولیه شکل گیری و گسترش این نهاد داشته است. توجه شما را به متن این گفتگو که در مورد علل و موفقیت و یا عدم موفقیت نهادهای انقلاب و چگونگی گسترش آنها و همبطور روند شکل گیری جهاد سازندگی و برخورد جریانات مختلف فکری، سیاسی، اقتصادی... با آن می باشد، جلب می کنیم.

قاطعیت نظامی سعی می کنند هر جریان مخالفی را از سر راه خود کنار بگذارند و یک جریان حزبی و گروهی را که صد درصد به نقطه نظرات خودشان وابسته هستند، جایگزین کنند، و نوعاً، مخصوصاً، در ابتدای انقلاب سعی می کنند از متکی شدن به سیستمهای سنتی شان پرهیز کنند. اما شاید برای شما مایه تعجب باشد که بدانید اکثر انقلابها، سردمدارانش بعد از مدتی به سمت سیستمهای سنتی رو می آورند و در اکثر آنها جریانهای انقلابی بعد از مدت کوتاهی از صحنه انقلاب حذف می شوند. تقریباً می شود گفت ما هیچ انقلابی نداریم، بخصوص در رابطه با سیستم نظامی خودش، که مجبور به اجرای چنین خط مشی نشده باشد. شاید در میان انقلابات معاصر، تنها انقلاب اسلامی باشد که در کنار سیستم سنتی، نهادهای جوشیده از متن مردم و انقلاب را حفظ کرده و آنها به حیات و تلاششان ادامه می دهند. البته در مملکت ما که هر روز در حال انقلاب هستیم و هر روز با شهادتها و حماسه هایی که ملت شهید پرور ما در صحنه خیابانها و جبهه های نبرد، در همه جای این مملکت، از خودش نشان می دهد، ما در حال این



● نکته عمده ای که در ادامه کار جهاد میشود به آن اشاره کرد، درگیری با سیستم سنتی و دولت موقت بود. آنها خیلی سعی کردند که این نهاد را در کنترل خود قرار دهند و مهارش کنند و تنها راهی که داشتند حاکم کردن همان نظام سنتی به آن بود که مقاومت بسیار. زیبای برادران ما در آن اوایل در جهاد، مانع از اجرای این توطئه شد.

تحول دائمی، مطمئناً از مصونیتی نسبی در مقابل جریانهای انحرافی برخوردار هستیم و ملتی که در حال انقلاب است، همواره خودش را نیازمند جریانهای مولود حرکت خودش می بیند و همواره به آنها توجه دارد. نکته مهمی که می بایست به آن توجه شود این است که ما چگونه میان سیستمهای سنتی و نهادهای انقلابی هماهنگی و یا بمضاً تلفیق ایجاد کنیم. ما نیاپستی در بند امر به فکر حذف جریانهای سنتی می بودیم چون حذف این جریانات باعث منتظر و معطل ماندن مملکت و برنامه های جاری میشد و ضربه را به جور دیگری به مملکت وارد می کرد. در ابتدای انقلاب جریانهای افراطی و تندرو و بعضاً مزدور و وابسته، اصرار زیادی بر حذف دستگاههای سنتی داشتند؛ مخصوصاً روی ارتش، که بخصوص منافقین و بعضی گروههای دیگر شعار انحلال آنرا می خواستند رایج کنند. ما امروز می فهمیم که اگر آن توطئه ها اجرا میشد چقدر دستگاه مملکتی ما از نظر سیستم اداری دچار نقصان می شد. نه تنها حذف ارتش بلکه محدود کردن و از بین بردن بخشی از ارتش، امروز باعث مشکلات زیادی در نظام جمهوری اسلامی ما شده بود، تا چه رسد به اینکه بخواهیم آن توطئه هایی را که دشمنان انقلاب داشتند ما پیاده کنیم. اما از طرفی نیروهای باینده و روبه رشد انقلاب که فرصتی به دست می آورند و در این فرصت در برخوردشان با مشکلات جامعه و انقلاب رشد پیدا می کنند، اینها روز بروز پیش می روند و بمضاً به نقاط خوب و ویژگیهایی دست پیدا می کنند که دستگاههای سنتی از آنها بی بهره اند و این رقابت سالم برای کسب تجربه و توان در میان نهادهای انقلابی و تحول اعتقادی و محتوایی در دستگاههای سنتی باعث می شود تا ما بتوانیم از تمام توان جامعه برای پیاده کردن منظور خودمان و اهداف انقلاب استفاده کنیم. و انشاء الله همین رقابت سالم ما را به

● یکی از عوامل مهم رشد بطنی و کند بعضی از نهادهای انقلاب و حتی انحلال آنها را، بایستی ناشی از آن دانست که مشکلات این نهادها را، بعضاً نظام تحمل نکرده و آنها را یا حذف و یا در دستگاههای سنتی ادغام کرده است.



نقطه ای خواهد رساند که بتوانیم با جمع بندی خوب این توانها، در مجموع با حرکت قوی تری نسبت به آنچه که می توانست بصورت ناقص با طرحهای انحرافی پیاده شود، راه انقلاب را ادامه دهیم.

امروز بحمدالله با گذشت ۸ سال از انقلاب اسلامی، می فهمیم که این مسیری که آمدیم چه مقدار صحیح بوده و زهنمودهای رهبر کبیر انقلاب، امام امت تا چه حد برای حفظ انقلاب ما و حرکت انقلابی ما مؤثر و مفید بود. اما علل کندی کار نهادهای انقلابی را می توان در «کم توجهی» نظام به آنها جستجو کرد. یکی از عوامل مهم رشد بطنی بعضی از نهادهای انقلاب و حتی انحلال آنها را که ما شاهد بودیم، بایستی ناشی از آن دانست که مشکلات این نهادها را بعضاً، نظام تحمل نکرده و آنها را یا حذف کرده و یا در دستگاههای سنتی ادغام کرده

است. به یاد دارم که در ابتدای کار جهاد سازندگی، خیلی به این نهاد و طرحهایی که اجرا می کرد ایراد می گرفتند، حال چه آنهایی که ظاهراً صادقانه و دلسوزانه برای انقلاب فکر می کردند و یا چه آنهایی که مثل بنی صدر روزنامه و اطرافیاناش و منافقین که حمله حساب شده ای علیه این نهاد و بقیه نهادهای انقلاب داشتند و همواره ابراز می کردند نخبه گریهای نهادهای انقلاب مملکت را به سقوط می کشاند، و «بی عدالتی ها» و «خرابکاریها» و «ندانم کاریها» را به عنوان ویژگی نهادها، همواره مطرح می کردند و در رسانه ها و مجامع منعکس می کردند تا بتوانند به نحوی مانع رشد این نهادها بشوند. مردان بزرگی چون شهید بهشتی و شهید رجایی که جامی جدی نهادهای انقلاب در آن شرایط بودند، همچنین یاران دیگر امام در شورای انقلاب، که اجازه ندادند که این نهادها حذف شوند و نقشه های بنی صدر و یارانش پیاده شود؛ اینها باعث شد که از اضمحلال کلی نهادها جلوگیری شود، اما با وارد شدن نیروهای انقلابی در میان دستگاههای سنتی، از آنجا که سیستم سنتی، سیستم کاملی بود و هیچ جای نقص و کمبود برای تشکیلات احساس نمی شد، لذا احساس می شد نهادهای انقلاب، دستگاههای اضافی هستند و صرف بودجه و نیروهای کادر حزب الهی و قوی در آنجا به ضرر انقلاب می باشد. بعضاً به همین دلیل سعی کردند که از رشد همه جانبه نهادها تا حدودی جلوگیری کنند و یا کمکهای لازم برای شدن آنها را نکنند. شما منحنی رشد نهادهای انقلاب را اگر در طول

انقلاب بکشید از سپاه گرفته که از ابتدای انقلاب در مبارزه با ضد انقلاب و بعد در طول جنگ با دو سه گردان عملیاتی شروع کرد و در مدت کوتاهی به چندین لشکر و تیپ مستقل دست یافت، تا جهاد سازندگی که با اعتبار بسیار ناچیز و فعالیتهای بسیار محدود شروع کرد، و امروز می بینیم پروژه های عظیم، طرحهای ملی و سراسری را انجام می دهد، اگر این منحنی رشد را برای این نهادها رسم کنیم، می بینیم که یک منحنی صعودی با ضریب تصاعد هندسی برای این نهادها از ابتدای انقلاب تا یکی دو سال بعد از جنگ تحمیلی وجود دارد. برای اینکه به این منحنی دست پیدا کنید کافی است یک حساب آماری از تعداد نیروهای این دو نهاد یا نهادهای دیگر و اعتباری را که مصرف کردند و عملیات و فعالیتهای را که داشتند تهیه کنیم. می بینیم این منحنی که تا آنوقت کاملاً صعودی است و با ضریب تصاعد هندسی، و از آن به بعد رشد بسیار بطنی و کند و بعضاً ثابت و متوقف می شود، بنحوی که ما امروز می بینیم که اعتبار و امکانات و

فعالتهای دستگاهها، تغییراتش بسیار محدود است. این نهادهای انقلاب در حقیقت، در درون قفسی نگهداری می شوند. چون اینها برنامه هایشان بسیار وسیع بود و همگی حداقل در سطح کشور با این برنامه ریزی فکر می کردند، و در تمامی ابعاد مأموریتی خود، بعضاً به فکر کشورهای اسلامی و کشورهای محروم و مستضعف دیگر بودند، اما نظام به دلیل اینکه یک بافت کامل و یک سیستم کامل از زمان رژیم شاه باقی مانده بود، و آنطور نبود که این سیستم در زمان رژیم شاه نقصی داشته باشد، یعنی از نظر تشکیلات بسیار کامل بود، حتی ما در مدارک و برنامه های آن دوران که مطالعه می کنیم، مشاهده میشود آنها برای بسیج کردن نیروهای مردمی، سازمان دفاع غیر نظامی راه انداخته بودند، فعالیتهای فوق برنامه هاشان، فعالیت روستایی و عمران روستاها، سپاه دانش، سپاه بهداشت و ترویج و همه نوع فعالیتی را که ما امروز به جهت خیرخواهی و رسیدگی به طبقه محروم و مستضعف و برای مقابله با ضد انقلاب و برای دفاع از میهن اسلامی داریم پیش بینی می کنیم، اینها بصورت مبسوط و گسترده در دستگاههای سنتی وجود دارد و لذا وقتی می خواهیم رشد پیدا کنیم با این مراکز مشابه برخورد پیدا می کنیم و در این برخورد از آنجایی که بنابر حفظ سیستم سنتی است، ما محدودیت و رکود را برای رشد نهاد انقلابی بخوبی می بینیم؛ این هیچ تناسبی با رشد انقلاب، نیاز مردم و ضرورت کار نهاد انقلابی ندارد. اما از طرفی بهرحال بودجه مملکت و امکانات و نیروها محدودند و اگر بخواهیم با حفظ سیستم سنتی نهاد انقلابی را رشد دهیم با

● مهمترین مسئله مملکت جنگ است و مسیر انقلاب از جبهه ها عبور می کند و هر کسی جبهه های جنگ حضور داشته باشد در مسیر انقلاب قرار دارد و هر کسی در این جهت نباشد، از مسیر انقلاب خارج شده است.

● بخش قابل توجهی از این درگیری‌ها تشکیلاتی که بعضاً به درگیری‌های سیاسی و نفسانی تبدیل میشود، ناشی از این است که حدود کار، افق کار و مسیر فعالیت و رشد را کاملاً برای دستگاه‌های

مشکلات جدی روبرو می‌شویم. ظرافتی که در کار وجود دارد، امروز علاوه بر هماهنگ کردن نظام سنتی و نهادهای انقلابی برای بهره‌گیری از تمام توان که عرض شد، مسئله پرداختن به مأموریت‌های جداگانه توسط این دستگاه‌ها و تقسیم کار کردن به نحوی است که نهادهای انقلاب کاملاً از بعد افق فعالیت ارضاء شوند. این کار مهمی است که باید انجام شود. البته در حال حاضر چنین کاری انجام نشده و نظام یک برنامه مشخصی برای این منظور تدوین نکرده و به دنبال آنهم نیست و این خطری است که نه تنها باعث میشود از تمام توان مملکت برای حفظ انقلاب استفاده نکنیم، بلکه در اثر اصطکاک بین دستگاه‌های مشابه مقدراری از این توان را هم از دست بدهیم. اختلافی که امام بارها متذکر شدند که نباشد و همیشه اتحاد و اتفاق میان دستگاه‌های مختلف باشد، بخش قابل توجه آن برمی‌گردد به همین اختلافات صنفی و اختلافات تشکیلاتی؛ که به دلیل پیچیدگی مطلب، به دلیل اینکه دفاع از تشکیلات بعضاً دفاع از اسلام و انقلاب محسوب می‌شود، متأسفانه نیروهای معتقد به انقلاب و افرادی که تابع فرامین امام هستند نمی‌توانند مرز بین انجام وظیفه و جلوگیری از اختلاف را کاملاً تشخیص دهند و بخش قابل توجهی از این درگیری‌های تشکیلاتی که بعضاً به درگیری‌های سیاسی و نفسانی تبدیل می‌شود ناشی از این است که حدود کار، افق کار و مسیر فعالیت و رشد را کاملاً برای دستگاه‌های مشابه مشخص نکرده‌ایم، این هم از علل کندی رشد نهادهای انقلابی و دستیابی آنها به هدفهایی که دارند می‌تواند باشد. البته نایبستی ضعفهای درونی این نهادها را که می‌بایستی با تلاش خود آنها کمتر شود و از بین برود ندیده بگیریم. ما بایستی با حفظ روحیات و ارزشهایی که این قدرت را به انقلاب و نهادهایمان داده، سعی کنیم اهرمهای قدرت و اهرمهای معنوی قدرت را کاملاً حفظ کرده و همواره آنها را صیقل زده و آماده به کار و در صحنه نگه داریم تا خدای نکرده به یک دستگاهی که هم مزایای یک نهاد انقلابی را فاقد است و هم معایب دستگاه‌های سنتی را دارا است تبدیل نشویم، که این میتواند بدترین سرنوشت برای یک نهاد انقلابی باشد.

اشاره‌ای هم به علل موفقیت این نهادها بشود و آن توجه کردن به عوامل معنوی رشد است. گاهی اوقات عوامل رشد، بخصوص در تحلیلهای مادی، منحصر میشود به تعداد نیرو، امکانات و تجهیزات و مدیریت، یعنی بعضاً فکر می‌کنند توان یک سیستم، یک نظام و یک دستگاه را

مشابه مشخص نکرده‌ایم، این هم از علل کندی رشد نهادهای انقلابی و دستیابی آنها به هدفهایی که دارند، می‌تواند باشد؛ البته نایبستی ضعفهای درونی این نهادها را نیز ندیده بگیریم.

میشود با این سه عامل تعریف کرد. به همین دلیل شاهد رشد سرسام آور ارتشهای دنیا از هر سه این نوع: چه افزایش نیرو با زیر پرچم خواندن افراد بیشتر و یا حتی پیمانهای نظامی که بین کشورها بسته می‌شود و سعی می‌کنند از این طریق نیروی خود را افزایش دهند و هم میلیاردها دلار که صرف تحقیقات نظامی و تهیه تجهیزات پیشرفته و یا انبار کردن آنها میکنند و همچنین بالا بردن مدیریت، افزایش آموزشها، مانورهای گران قیمت با هزینه‌های سرسام آور هستیم؛ چون اینها عوامل قدرت مادی حساب می‌شوند. در دستگاه‌های اجرایی هم به همین نحو است و نوعاً از تأثیر عوامل معنوی در دستگاه‌ها و نظامها غافل می‌مانند و تحت عنوان بالا بردن روحیه، زمینه‌های بسیار ضعیفی مثل عواطف ناسیونالیستی و یا عوامل انسان دوستی را سعی میکنند بین نیروهای خودشان تزریق کنند و اینها عوامل بسیار ضعیفی است که نمی‌تواند انسجام، ایثار و از خود گذشتگی، توکل به خدای متعال و اخلاص در کار را که همگی عوامل معنوی است، بوجود آورد و می‌بینیم که این عوامل معنوی در دستگاه‌ها و نهادهای انقلابی ریشه و مبنای قدرت آنها را تشکیل میدهد. آنچه مسلم است کمتر کسی از مسئولین نهادهای انقلاب اسلامی، و یا حتی مسئولین مملکتی ما قبلاً تجربه برای کار خود را داشته‌اند، نوعاً سابقه‌ای اگر داشته باشند محدود و بیشتر هم تجارب فعال فرهنگی دارند. به همین دلیل است که می‌بینیم در کشور ما اگر بخواهیم کار فرهنگی انجام دهیم با قدرت انجام می‌دهیم.

● ما بایستی با حفظ روحیات و ارزشهایی که این قدرت را به انقلاب و نهادهای ما داده، سعی کنیم اهرم‌های معنوی قدرت را کاملاً حفظ کرده و همواره آنها را صیقل زده و آماده به کار و در صحنه نگه داریم تا خدای نکرده به یک دستگاهی که هم مزایای یک نهاد انقلابی را فاقد است و هم معایب دستگاه‌های سنتی را دارا است تبدیل نشویم، که این میتواند بدترین سرنوشت برای یک نهاد انقلابی باشد.

اما در زمینه‌های اجرایی و حکومتی و نظامی، این تجربه وجود ندارد. جبران این کمبودها را، همان عشق و ایثار و علاقه وافر نیروها به پیشرفت و دستیابی به هدف می‌کند. البته نهادهای انقلاب در طول حیاتشان سعی می‌کنند که تجارب و امکانات و نیروهای لازم را فراهم کنند اما به هر حال به مقدار زیادی نسبت به دستگاه‌های سنتی عقب هستند. آنچه که باعث رشد این نهادها شده، همان روشهای معنوی و همچنین اتصالشان به مردم است که بقول حضرت امام، این منبع لایزال قدرت الهی است که به نهادهای انقلاب قدرت میدهد که طرحهای خارق‌العاده و باور نکردنی را مجزئه‌آسا پیاده کنند. قدرت مردم، قدرتی است که در جوامع انسانی و حکومتها ناشناخته است، زیرا آنها نمیتوانند به مردم متکی شوند و مجبورند به سیستم خود متکی شوند. انکاء به مردم یک فرمول بسیار پیچیده و ظریفی دارد و اینطور نیست که با شعار «خلق گرایی» و «حکومت مردمی» رژیمی

● به نظر می‌رسد حفظ نهادهای انقلاب اسلامی و برنامه‌ریزی برای تلفیق مناسب بین دستگاه‌های سنتی و نهادهای انقلابی، میتواند هدف و مسیر خوبی برای آینده انقلاب و نهادهای انقلاب اسلامی باشد. تحقق چنین هدفی مستلزم آن است که به اندازه کافی به نهادهای انقلاب فرصت رشد و امکان کسب تجربه بدهیم.

بتواند با مردمش کار کند. شاید بشود گفت امروز مردمی‌ترین حکومت دنیا حکومت جمهوری اسلامی است که هر مشکل اساسی خود را، به دست مردم خود، در صحنه حل می‌کند و خود مردم افراطی تر از حکومت شعارها را می‌دهند و خط مشی حکومت را مردم با حضور گسترده خود در صحنه، در هر مقطع، یکبار بصورت گسترده اعلام می‌کنند. اینها چیزهایی است که در کشورهای دیگر، در مردمی‌ترین آنها و خلاق‌ترین آنها وجود ندارد. عامل مهم قدرت نهادهای انقلابی همین است: انکاء به مردم، توجه به مردم و استفاده از قدرت مردم.

نکته سوم از عوامل قدرت نهادهای انقلابی و پیشرفتشان انعطاف آنهاست. سیستم‌های سنتی بصورت ثابت و کلاسه شده با برنامه‌ها و اهدافشان برخورد می‌کنند، نمی‌توانند متناسب با مشکلات یا گرفتاریها و مسائلی که پیش می‌آید انعطاف بخرج دهند و جهت‌گیری متناسب با آن مشکل را پیدا کنند اما نهادهای انقلابی به دلیل اینکه دستشان بازتر است، آن تعصبات و عصبیتهای تشکیلاتی را به آن صورت ندارند و از نظر تنظیم برنامه‌ها و تنظیم تشکیلات و وضعیت خودشان برای برخورد با مشکل آزادتر هستند، بنابراین

● نهادهای انقلاب اسلامی به دلیل ریشه‌ای که از انقلاب گرفتند، و با پرورشی که از خون شهدا پیدا کردند، و با آن صلابت و استقامتی که از مسیر پرتلاطم انقلاب به آنها دست داد و آنها را مقاوم کرد، این خصوصیتی است که به راحتی در هر دستگاه سنتی قابل تزریق نیست؛ یعنی در موضع هماهنگی یا ادغام یا تقسیم کار، که مبنای آن میتواند بهره‌گیری ما از تمام توان مملکت باشد، باید این مسئله را مورد توجه قرار داد که آیا منظم کردن و مجرب کردن نهادهای انقلاب راحت‌تر است یا انقلابی کردن دستگاه‌های سنتی.

انعطاف پذیرند و اینهم یک نقطه مثبتی در نهادهای انقلابی است که به سرعت خودشان را با برنامه‌های اجرایی که دارند، هماهنگ می‌کنند. بد نیست یک مثالی در این رابطه بزنیم: در رابطه با دستگاه‌های سنتی، سفری رفته بودیم منطقه جنوب، عنوان میشد که ۷-۶ سال قبل از پیروزی انقلاب تصویب شد که کهکیلویه و بویراحمد استان شود و امروز بعد از ۸-۷ سال بعد از پیروزی انقلاب هنوز بسیاری از ادارات آنجا تشکیل نشد و تابع استانهای همجوارش است، یعنی هنوز نتوانسته‌اند یک مصوبه خود را بطور جامع و کامل پیاده کنند. در حالیکه وقتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی رهبری انقلاب ابلاغ شد که آبروی جمهوری اسلامی در خطر است و شما موظف هستید که هواپیماهای جمهوری اسلامی را حفاظت کنید، در عرض ۴۸ ساعت نیروهای ما به فرودگاهها رفتند و هواپیماها را در کنترل خود گرفتند و بدون هیچ تجربه‌ای از گذشته، آشنایی با حتی کاریک هواپیما و سلاحهای مخصوصی که باید در هواپیماها بکار گرفته شود، آنچنان زیبا عمل کردند که بعد از این همه مدت حتی یک هواپیما علیرغم برنامه‌های وسیع دشمن و با تلاشهای زیادی که داشته، نتوانست از جمهوری اسلامی بزدزد و این نشان میدهد که نهادهای انقلابی، برای تغییر جهت بخوبی انعطاف دارند و می‌توانند با درک خطر و ابلاغ مأموریت‌های جدید سرعت و در مدت زمان کوتاهی تمام توان خود را در آن جهت شکل دهند. وقتی جنگ آغاز شد تمام برنامه ریزیهای سپاه برای مبارزه با ضد انقلاب بود، نیروهای اطلاعاتی و سیاسی و بعضاً تبلیغی در سپاه بودند؛ این نیروها تبدیل به یک سازمان نظامی و رزمی استوار شدند که بتوانند با یک ارتش کلاسیک و منظم مثل ارتش عراق که چندین کودتا را پشت سر گذاشته و یک

صلابت تشکیلات قابل توجهی داشته، مقابله کنند و این حرکت شبیه یک معجزه است. همانطور که تمام حرکات انقلاب ما لحظه به لحظه اش معجزه بوده است. این تغییر جهت خود نشان دهنده این است که پول، امکانات، نیرو و حتی تجارب گذشته این نهادها به راحتی تغییر جهت می‌دهند و به سمت هدفهای اصلی و خطرهای اصلی شکل می‌گیرند. اینهم از عوامل دیگر قدرت و رشد نهادهای انقلاب است.

مجله جهاد - چگونه می‌بایست با محدود کردن فعالیتهای نهادهای انقلابی در جامعه برخورد کرد به نحوی که زمینه برای گسترش نهادهای انقلاب، با توجه به سوابق و تجاربشان که نشان دادند میتوانند مشکلات اساسی مملکت را حل کنند، فراهم شود؟

ج - همانطور که بیان شد حذف دستگاههای سنتی در ابتدای انقلاب یک خطر و توطئه‌ای بود که عده‌ای به دنباله آن بودند و اصولاً هر حرکت تحمیلی و ناخواسته برای یک انقلاب خطر است. یک حرکت آگاهانه و یک انقلاب با عمق کافی و وسعت لازم و با درک عالی، ایجاد می‌کند که خود تصمیم بگیرد که چه مسیری را می‌خواهد طی کند و از هرگونه حرکت تحمیلی مانع بشود و سعی کند با کسب فرصت با تصمیمات بموقع و پخته، مسیر خود را بخوبی تعیین کند. امروز بعد از گذشت سالها از پیروزی انقلاب، ما در شرایطی قرار داریم که مجبوریم تمام توان خود را وارد میدان کنیم، یعنی تلاش ما بایستی

● شهید رجایی، همواره بسیار علاقه‌مند بود که جهاد با ادارات پیوند داشته باشد و از جهاد ادارات ایشان حمایت می‌کردند.

درجتهی باشد که هیچ توانی روی زمین نماند، بخصوص در رابطه با جنگ تحمیلی که مهمترین خطر برای انقلاب است و بهمین دلیل برنامه‌های مورد نظر بایستی در این جهت دقیقتر تنظیم شود. اما بنظر می‌رسد که ما با حفظ نهادهای انقلاب اسلامی و برنامه‌ریزی برای تلفیق مناسب بین ایندو گروه از دستگاه اجرایی مملکت - نهادهای انقلاب و دستگاههای سنتی - به نحوی که در این تلفیق مزایا و محاسن هر دو طرف جمع آوری و نگهداری شود و معایب هر دو طرف تصحیح شود، این می‌تواند هدف و مسیر خوبی باشد برای آینده انقلاب و نهادهای انقلاب اسلامی. چنین هدفی مستلزم آن است که به اندازه کافی به نهادهای انقلاب فرصت رشد و امکان کسب تجربه بدهیم. اما اگر ما زودتر از مقطعی که نهادها در همه جهات کاملاً رشد کرده باشند و به تجارب لازم دست پیدا کرده باشند و همینطور نقطه نظرشان در همه جوانب امر مشخص باشد دست به چنین کاری بزنیم مسلماً لطمه می‌خوریم و تشخیص اینکه این مقطع و این زمان کی است، احتیاج به بررسیهایی دارد که حالا از مقوله بحث ما خارج است.

● نکته سوم از عامل قدرت نهادهای انقلابی و پیشرفشان انعطاف آنهاست. این یک نقطه مثبتی در این نهادها است که به سرعت خودشان را با برنامه‌های اجرایی که دارند، هماهنگ می‌کنند.

ولی بنظر می‌رسد که در مجموع، نظام بدنبال چنین حرکتی باشد. اصل اینکه نهادهای انقلاب اسلامی به عنوان یک واقعیت و یک مبنای اصولی در انقلاب بایستی مورد توجه قرار بگیرند، نباید کسی شک داشته باشد.

شهید رجایی در جلسات شورای نهادهای انقلاب، می‌گفت: «اینجا دولت انقلاب ما است» و آنجا «دولت رسمی»؛ ایشان برای خودش در جهت اداره مملکت دو بازو تصور کرده بود و برای طرح این مطلب تعارف نمی‌کرد و واقعاً بسیاری از تصمیمات مهم مملکتی را در جمع نهادهای انقلاب می‌گرفت، و در آنجا هماهنگی‌های لازم را در آن گروهها و دستگاههای انقلابی به عمل می‌آورد و به همین دلیل این دستگاههای انقلابی از آنجا که هر کدام با قشر وسیعی از مردم در تماس و ارتباط بودند، نوعاً ارتباط دستگاه و حکومت از طریق این نهادها با مردم بسیار عمیق بود و براحتی می‌توانست نقطه نظرات و برنامه‌های خود را در آن وضعیت ملاحظه، منعکس ساخته و اجرا بکند. شاید حالا راحت باشد در چنین وضعیتی آرامی برنامه‌های سراسری را تنظیم کرد، ولی آن موقع با آن شرایط، تنها راهی که وجود داشت همین بود که از طریق نهادهای انقلاب به مردم وصل می‌شدند و برنامه‌های سراسری خود را پیاده می‌کردند. شهید بهشتی هم که با رأی شورای انقلاب به جهاد تشریف آوردند، ایشان هم عنایت خاصی به نهادهای انقلاب داشتند و تاکیدی برای حفظ و رشد آنها داشتند این اصل را خلاصه باید همیشه در نظر داشته باشیم که نهادهای انقلاب اسلامی به دلیل ریشه و مایه‌ای که از انقلاب گرفتند و با پرورشی که از خون شهدا پیدا کردند و با آن صلابت و استقامتی که از مسیر پرتلاطم انقلاب به آنها دست داد و آنها را مقاوم کرد، اینها خصوصیتی است که براحتی در هر دستگاه سنتی قابل تزریق نیست؛ یعنی در موضع هماهنگی یا ادغام یا تقسیم کار، هر چه که می‌خواهیم اسمش را بگذاریم، و مبنای آن نیز بهره‌گیری ما از تمام توان مملکت می‌تواند باشد، باید این مسئله را

● فعالیت جهاد در جنگ و در کنار سپاه، به عنوان یک برادر صمیمی، نه تنها باعث رشد کار جنگ و حل مشکلات مهندسی جنگ شده، بلکه موجب حفظ خود جهاد سازندگی از انحراف و انحطاط گردیده است.

• برادران جهادگر مطمئن باشند تا زمانیکه ارزشها و معیارهای معنوی کار خودشان را حفظ کرده باشند، همچنان پیش می روند و هیچ مشکل و مانعی نمیتواند آنها را از مسیر منحرف نموده و یا دچار توقف نماید.

مورد توجه قرار داد که آیا منظم کردن و مجرب کردن نهادهای انقلابی راحت تر است یا انقلابی کردن دستگاههای سنتی، این را بایستی جمع پخته ای در هر دو مورد روی آن کار بکنند.

مجله جهاد - نظریه اینکه شما از ابتدای تشکیل و شکل گیری و رشد جهاد سازندگی، بخصوص در آن سالهایی که با مسائل بسیاری در جبهه داخلی روبرو بودیم، حضور فعال داشتید، در صورت امکان تحلیلی از برخورد جریانات فکری، سیاسی و اقتصادی با شکل گیری جهاد ارائه بفرمائید و همینطور اگر خاطراتی از آن دوران به یاد دارید بیان کنید.

ج - در این رابطه صحبت بسیار زیاد است. زیرا هر روز آن دوران خاطره و مطالب گفتنی دارد و مسلماً آن شرایط و آن دوران که نهادهای انقلاب در حال شکل گرفتن بودند و در حقیقت مسیر انقلاب داشت تعیین می شد، ما هر روز شاهد درگیریها، برخوردها، طرحها و برنامه هایی بودیم که همگی گفتنی است. ولی یک سیر کلی از تمام آنها عرض می کنم و انشاء الله در فرصتهای دیگر بشود به جزئیات آن بخصوص توسط آن برادرانی که از ابتدای جهاد بودند پرداخته شود.

مسلماً یکی از شمارهای انقلاب که رسیدگی به مردم مستضعف و محروم بود نمیتوانست بعد از پیروزی انقلاب فقط روی زبانها باقی بماند. دستهای پرتوان و قدمهای استواری بودند که میخواستند این شمارها را به عمل درآورند و وارد عمل هم شدند. در همان اوایل پیروزی انقلاب و باز شدن دانشگاهها و متشکل شدن جریانات دانشجوئی فکر سازندگی روستاها و رسیدگی به مناطق محروم در میان این برادران شکل گرفت. البته نباید اینرا از نظر دور داشت که همان زمان حرکتهای دیگری هم توسط گروههای دیگر شروع شده بود منتهی از نظم و دوزنگری حرکتی که این برادران ما شروع کردند، برخوردار نبود. بیشتر این جریان باقی ماند و دنبال شد و رشد پیدا کرد. البته جریان جهاد سازندگی از هدف رسیدگی به مناطق محروم به سرعت متحول شد و این هدف در رده های عالی تری شکل گرفت و جهاد خودش را صاحب رسالتی سنگین تر از این احساس کرد که آنها اشاعه فرهنگ جهادی است که بنظر من خیلی بالاتر از مأموریت رسیدگی به مناطق محروم و طبقه مستضعف است.

ما در مملکت یک نهاد نظامی - انتظامی مثل سپاه داریم که در دفاع از کیان اسلامی و امت اسلامی ارزشها

و ویژگیهای خاص خودش را با تجارب خاصی دنبال می کند که خیلی گرانقدر است یعنی در الگوی دفاع، امروز در سپاه مطالب بسیار زیاد و گفتنی داریم، که متأسفانه هنوز هیچ کار متمرکز و جدی برای تدوین آنها صورت نگرفته، ولی بهرحال هرکسی نه تنها در جمهوری اسلامی بلکه در کشورهای اسلامی وقتی نام پاسدار را می شنود، یک الگوی دفاع در مقابلش زنده میشود: دفاع از ارزشها، اعتقادات و دفاع از اسلام و از یک ملت انقلاب کرده، دفاع مسلحانه، دفاعی که سرنیزه ها را با گلوله جواب میدهد و مشتهای مردم را مجهز به تاکتیک و تکنیک می کند و سازمان لازم برای دفاع از خود را تشکیل می دهد. این رسالت را برای جهاد سازندگی از همان اوایل انقلاب در بعد اجرایی، احساس کردیم. به محض اینکه برای آبادانی روستاها و برای رسیدگی به قشر محروم وارد عمل شدیم، احساس کردیم مانع اصلی که به ما اجازه نمیدهد

• جهاد باید پیوند خودش را با مردم حفظ کند. از برکت فعالیتهای جهاد و از ویژگیهای حرکت جهاد، حضور و مشارکت مردم است که می بایست این را حفظ نمود و گسترش داد.

به اندازه کافی پیش برویم، آن سیستم سنتی و دستگاه متعجری بود که بخصوص در اوایل انقلاب حال و هوای راه رفتن نداشت و به همین دلیل جهاد سازندگی در این درگیریها رشد کرد و امروز به عنوان بهترین الگو برای یک دستگاه اجرایی می تواند در مملکت خودمان و یا در ممالک دیگر مورد توجه قرار گیرد و از آن تقلید بشود و عنصر اصلی این الگو و این حرکت جهادی و این فرهنگ جهادی «ایثار» است که بالاترین ایثارها است؛ یعنی گذشتن از منافع و آسایش خود برای آسایش دیگران و برای ارتقاء مردم محروم و رسیدن آنها به حقوقشان و حمایت از مردم.

• روح و معنویت کار است که ما را از همه خطرات نجات می دهد. اما شعار معنویت سردادن در میان برادران رزمنده، جهادگران و در میان افرادی که علاقه مند به تلاش در جهت رشد و حفظ انقلاب شان هستند، این کفایت نمی کند؛ ما بایستی با تمام اعمال و حرکات خودمان، با حضور در صحنه و با خون خودمان خود این مدعا را اثبات کنیم و در برنامه ریزیها و دستورالعمل های خودمان اینها را در نظر داشته باشیم.

• آنچه باعث رشد نهادهای انقلاب شده، روش های معنوی و همچنین اتصالشان به مردم است؛ که به قول حضرت امام، این منبع لایزال قدرت الهی است که به نهادهای انقلاب قدرت می دهد که طرحهای خارق العاده و باور نکردنی را معجزه آسا پیاده کنند.

این چیزی است که جز با کار جهاد بدست نمی آید یعنی به شعار کفایت نمیکند و جهادها با عمل خود این ارزش را ارائه دادند و نشان دادند که با این شیوه می توان با هزینه هایی به مراتب کمتر، اقدامات بسیار گسترده تر انجام داد.

در اینجا بد نیست اشاره ای بشود به هماهنگ شدن گروهکهایی که بعداً به صف مخالفین انقلاب پیوستند، اینها هلاقه مند بودند از این طریق بیایند و وارد شوند شاید بتوانند نمدی برای خود تهیه کنند و دستی در کار داشته باشند، ولی وقتی دیدند که خبری نیست بجز کار و زحمت و تلاش، گذاشتند و رفتند. شاید بهترین جایی که ماهیت تولید گروهکها را افشاء می کند همین زمینه پاک و بی آسایش جهاد باشد که بدون کسب نام و بدون کسب درآمد پولی، هدف مادی و دنیایی، اینطور خدمت خالصانه را انجام می دادند و آنهایی که تاب مقاومت در این جریان را پیدا نکردند و بعداً از مخالفین همین حرکت شدند، و با بهترین عزیزان ما از این جهاد، شیع ترین و بدترین اعمال را روا داشتند، این خوب می تواند ماهیت آنها را افشاء کند. در ادامه حرکت جهاد نقطه عده ای که میشود بدان اشاره کرد، درگیری با سیستم سنتی و دولت موقت بود که اصلاً بدلیل اتکاء آن به سیستم سنتی، حرف برادران جهادگر برای آنها آشنا نبود و آنها نمی توانستند درک کنند که برادران جهاد چه می گویند. خیلی سعی کردند که این نهاد را در کنترل خود قرار دهند و مهارش کنند و تنها راهی که داشتند حاکم کردن همان نظام سنتی بر آن بود؛ که مقاومت بسیار زیبایی برادران ما در آن اوایل در جهاد، مانع از اجرای توطئه شد. یادم هست که بسیاری از برادران از کار ناامید شدند و رفتند، تعداد حدود ۵۰ نفر ماندند و به کار خود ادامه دادند تا اینکه حمایتهای بیدریغ شاگردان امام در شورای انقلاب، بخصوص شهید بهشتی، جهاد را نجات داد و بحمد الله تمام این تلاشها، نتیجه اش این شد که امروز بتوانیم علاوه بر مجموع عملکردهایی که در جهت رسیدگی به مناطق محروم و مستضعف داریم، این نهاد را که به عنوان الگو و امید برای دستگاههای اجرایی است، اینرا هم داشته باشیم.

بعد از اینکه در شورای انقلاب تصویب شد شهید بهشتی به عنوان نماینده شورای انقلاب بیایند و جهاد سازندگی را نظارت کنند، در بدو ورود خودشان با

● شاید بهترین جایی که ماهیت پلید گروهاک‌ها را افشاء میکند همین زمینه پاک و بی‌آلایش جهاد باشد که بدون کسب نام و بدون کسب درآمد پولی، اینطور خدمت خالصانه را انجام می‌دادند.

نیروهای جوان و علاقه‌مند و حزب‌الله تماس گرفتند و شورای مرکزی جهاد را پایه‌گذاری کردند که بعد از آن ما همواره شاهد حمایت‌های بیدریغ این امت بزرگ (بقول حضرت امام) و این مرد استوار بودیم. به دلیل محدودیت وقت اشاره به جزئیات نمی‌کنیم فقط یک جمله کلی را در مورد مطالب و رهنمودها و حرکات و موضعگیری‌های جهاد و بخصوص شهید بهشتی می‌گویم تا بدانید محتوای این حرکت و سمت این با حضور شهید بهشتی، به چه سمتی رفت و شکل می‌گرفت و تا چه حد این حمایت مؤثر بود.

شهید بهشتی می‌فرمودند که: «از اینهمه هیاهو که برای شما میشود که شما پول مملکت را از بین می‌برید، جاده می‌سازید: آب می‌برد، پل می‌سازید از بین می‌رود و هرکاری می‌کنید خراب می‌شود از اینها ترسید «برای نظام، هزینه کردن پولی که به ما می‌دادند و در مقابل پول مملکت، پول ناچیزی بود، ایشان می‌فرمودند: «این پولی را که دولت تصویب می‌کند و به شما می‌دهد، برای ما مهم نیست که حتی نصف این پول هم از بین برود، ما با نصفه دیگر این پول اولاً کار کردیم در این مملکت، در شرایطی که تمام دستگاه‌ها را کد بود و هیچ کاری در سراسر مملکت به آن صورت انجام نمیشد، ثانیاً جوانانی را ما در این دستگاه می‌سازیم که اینها اداره‌کنندگان آینده انقلاب هستند.» ما امروز جمله ایشان را می‌بینیم که چگونه تحقق پیدا کرده، تعداد زیادی از مسئولین دستگاه‌های اجرایی و وزراء از میان برادران جهاد رشد کرده‌اند و امروز همگی با مسئولیت سنگینی که به عهده دارند، مملکت را طعیرغم همه ناملایمات و فشارهایی که از سوی استکبار جهانی بر او وارد میشود دارند اداره می‌کنند. قاطعیت و نظم و تدبیر شهید بهشتی بزرگترین سرمایه جهاد بوده و هست و بنظر من خوب است که جملات ایشان، رهنمودهای ایشان، به هرنحوی است، و سوابق مذاکرات شورای مرکزی جهاد و سخنرانی‌های ایشان اخذ شود و تدوین و تفسیر شود که برای آینده جهاد بسیار مفید و مؤثر می‌باشد. در ادامه کار جهاد باید اشاره شود به توسعه روزافزون آن بخصوص در دوران اوایل سالهای انقلاب، که رشد بسیار عجیبی داشت. روزنامه انقلاب اسلامی اعلام کرد که این جهاد مثل اژدهایی است که هرچه می‌بلعد، سیرنمیشود. یک جلسه‌ای بود در شورای انقلاب که ما شرکت کرده بودیم، بنی صدر هم حضور داشت، ما تأکید کردیم که چرا شما ناراحت هستید از اینکه سیستمی داریم که مثل رگهای خون بدن انسان به تمام زوایای مملکت و به محرومترین

روستاها کشیده شده است، هرچقدر شما خون تازه به جهاد تزریق کنید، می‌گردد و به دورترین نقاط می‌برد. شما چرا ناراحت هستید که هرچه پول می‌دهید ما هزینه می‌کنیم. چرا ناراحت نیستید از اینکه دستگاه‌های شما همه ساله کل پولها را برمی‌گردانند و هزینه نمی‌کنند؟ و تا همین چند سال پیش شاهد این بودیم که دستگاه‌ها مرتباً پول و اعتبارات عظیمی را برمی‌گردانند و نمی‌توانستند هزینه کنند. الان هم شاید به دلیل کمی بودجه و گرفتاری مالی کشور باشد وگرنه واقعیتی است که دستگاه‌های سنتی از نظر توان بکارگیری بودجه و انجام پروژه و برنامه، محدودیت‌های زیادی دارند که این نهادهای انقلاب اینطوری نیستند و اینها کاملاً قابل رشد هستند، به هر مقدار که به آنها میدان داده شود و امکانات در اختیارشان گذاشته شود. اینهم از نکاتی بود که داشتیم. نکته آخری

● اصولاً هر حرکت تحمیلی و ناخواسته برای یک انقلاب خطر است. یک حرکت آگاهانه و یک انقلاب با عمق کافی و وسعت لازم و با درک عالی، ایجاب می‌کند که خود تصمیم بگیرد که چه مسیری را می‌خواهد طی کند و از هرگونه حرکت تحمیلی مانع بشود و سعی کند با کسب فرصت و با تصمیمات به موقع و پخته مسیر خود را بخوبی تعیین کند.

که عرض می‌کنم، این است که ما در آن دوران سعی داشتیم که پیوندی با وزارتخانه‌ها برقرار کنیم و علاوه بر فعالیتهایی که مستقیماً توسط خودمان - جهاد - انجام می‌شد، با اتصال به دستگاه‌های دولتی که آتموق به آن «جهاد ادارات» می‌گفتیم، سعی کنیم که این فرهنگ جهادی را به میان ادارات ببریم.

در ابتدای کار حمایتی از این پروژه شد. آتموق که شهید رجایی در آموزش و پرورش بودند. خود ایشان تشریف آوردند به جهاد سازندگی که در میدان انقلاب بود، جلسه‌ای داشتیم و ایشان اعلام کردند که ما حاضریم، در کلیه مدارس درس جهاد سازندگی بگذاریم و همه دانش‌آموزان با کار جهاد، فرهنگ جهاد و برنامه‌های جهاد آشنا بشوند و خیلی روی این مطلب اصرار داشتند، منتهی ما در آتموق چنین توانی نداشتیم و متأسفانه نتوانستیم از این پیشنهاد ایشان عملاً استقبال کنیم، ولی به ایشان قول دادیم که در اولین فرصت اینکار را انجام می‌دهیم. بعد که ایشان نخست‌وزیر شدند، و حتی در دوران ریاست جمهوری، ایشان بسیار علاقه‌مند بودند که جهاد با ادارات پیوند داشته باشد، و از جهاد ادارات ایشان حمایت می‌کردند. بعضی از وزراء دولت در آن موقع خیلی حمایت

می‌کردند و پیوندهایی برقرار شد، در بعضی از وزارتخانه‌ها همان حرکت بسیار محدود منشأ خدمات بسیار بزرگی شد. پروژه‌های سمسازی و انتقال برق، راهسازی‌های بزرگ و پروژه‌های عظیم دیگر در همان دوران که اینها همه بودجه‌هایش آماده بود، بعضیها به دلیل برچیده شدن شرکت‌های خارجی و ناتوانی‌های داخلی، این پروژه‌ها روی زمین مانده بود، جهاد می‌رفت به ادارات و با بکارگیری عناصر حزب‌اللهی خود آن دستگاه‌ها، آن پروژه‌ها را وارد عمل می‌کرد و باعث تحول و تحرکی در میان ناباوریهایی که آتموق در دستگاه‌های اداری وجود داشت می‌شد که بنظر من ادامه این حرکت می‌توانست بخوبی نقش اول جهاد را که اشاعه فرهنگ جهادی در میان دستگاه‌های اجرایی مملکت است، پیاده کند، که به دلیل محدودیتها و مشکلاتی که در ارتباطات و تشکیلات احساس می‌شد، کم‌کم متوقف شد و به آن صورت رشد پیدا نکرد.

مجلسه جهاد - لطفاً در مورد نقش جهاد سازندگی در جنگ توضیح بفرمائید.

ج - اولاً در ادامه عرایضم در سؤال قبلی باید اشاره کرد به آمارهای خارق‌العاده کارهایی که در جهاد صورت گرفته؛ همان اوائل انقلاب که ما آمار عملکرد سالانه می‌دادیم، البته با توصیه‌های مکرر حضرت امام، چند بار فرمودند چرا آنچه که انجام می‌دهید را به مردم نمی‌گویید و تأکید داشتند روی این قضیه، برادران جهاد فکر می‌کردند بعنوان تواضع و با رعایت اخلاق اسلامی آمار عملکرد جهاد را نایستی بدهیم و تظاهر نکنیم ولی وقتی که دستورات امام چند بار مژگنداً صادر شد در جلساتی که شورای مرکزی جهاد با ایشان داشتند، آمار عملکرد منعکس شد و تیر درشت روزنامه‌ها این آمار عملکردها بود در آن موقع که ضدانقلاب تخم یأس و تفرقه را در جامعه می‌پاشید این حرکت بسیار زیبا و دلگرم‌کننده بود، جهاد سازندگی این آمار میلیونی کار خودش را در کنار فعالیتهایی که در صحنه‌های مختلف مملکت اهم از سیاسی، نظامی، داشته، اینها مجموعه عملکردهایی که هیچ‌گونه جمع‌بندی نشده است. افاق فعالیت جهاد در جنگ و در کنار سپاه، به عنوان یک برادر صمیمی نه تنها باعث رشد کار جهاد و حل مشکلات مهندسی جنگ شده، بلکه موجب حفظ خود جهاد سازندگی از انحراف و انحطاط شده است. مهمترین مسئله مملکت جنگ است و مسیر انقلاب از جبهه‌ها عبور می‌کند و هرکسی در جبهه‌های جنگ حضور داشته باشد در مسیر انقلاب قرار دارد و هرکسی در این مسیر نباشد، از مسیر انقلاب خارج شده؛ این چیزی است که امام بارها فرمودند و روی سخنشان به همه بوده هرکسی در هر دستگاهی و هر صنفی موظف است برای جنگ خدمت کند و جهاد سازندگی واقفاً یکی از لیبیک گویان صدیق این دعوت بوده و بحمدالله منشأ خدمات بسیار بزرگی در جبهه جنگ بوده است. بحمدالله با این مشارکتها و حضور گسترده مردم در صحنه، ما نگرانی از آینده جنگ نداریم و همانطور که امام فرمودند اگر غفلتی باشد و اگر مردم و دستگاه‌ها در رابطه با جنگ ضعیفی نشان دهند آن وقت